

# آموزش

## «تفکر و سواد رسانه‌ای»

### چه چیزی نیست؟!!

۷۰۴

وحید ولی

دبیر تفکر و سواد رسانه‌ای منطقه ۴ و ۱ تهران

دهم، بنا نیست ما دایرةالمعارف اصطلاحات و مفاهیم مختلف ارتباطات و رسانه تربیت کنیم. اصلاً قرار بر این نیست که ما «اضافه بار اطلاعاتی» دانش آموزان را بیشتر و بیشتر کنیم تا احیاناً آن‌ها دچار «اضطراب اطلاعاتی» بشوند یا غروری کاذب آن‌ها را فرا بگیرد یا...!

مسئله اصلی این است که دانش آموزان و اشخاص دیگری که با رسانه‌ها تعامل دارند، خود می‌دانند اما شاید فقط نمی‌توانند (!) نوع ارتباطشان را با رسانه‌ها به حال مطلوب درآورند. آن‌ها شاید عنوان اصطلاحات و مفاهیمی همچون «بازنمایی»، «کلیشه»، «فنون اقناع» و... را ندانند اما می‌دانند که این اتفاقات در تعاملات فراوانشان با رسانه‌ها در حال رقم خوردن است. نیازی نیست ما با انبوه مفاهیم آن‌ها را سردرگم کنیم. ما در بخش «دانشی» درس «تفکر و سواد رسانه‌ای» می‌بایست با «توجه» دادن به زندگی روزمره دانش آموزان، آن‌ها را در مسیر اکتشاف مفاهیم راهنمایی کنیم.

#### آموزش «تفکر و سواد رسانه‌ای» یا «جلسه نقد فیلم»؟

برخی از کلاس‌های «تفکر و سواد رسانه‌ای» به جلساتی جذاب برای نقد و تحلیل فیلم تبدیل شده است، دانش آموزان که از مشاهده و احیاناً نقد فیلم لذت می‌برند و معلم عزیز هم از اینکه دانش آموزانش در مسیر «تفکر و سواد رسانه‌ای» هستند، خوشحال و راضی! دانش آموزان به دنبال فیلم‌های جدید هستند تا سواد رسانه‌ای خود را ارتقا دهند و...!

اغلب دبیران درس «تفکر و سواد رسانه‌ای»، با توجه به تعریفی مختصر از دو مفهوم «تفکر» و «سواد رسانه‌ای» و همچنین ارتباط میان این دو، به آموزش این درس می‌پردازند و به تعبیری، در فرایند تدریس، این مفاهیم را به نوعی «بازنمایی» می‌کنند.

در این گفتار کوتاه، در پی آنیم که با نگاهی «سلبی» و به جای سخن از «چیستی» تفکر و سواد رسانه‌ای، به «نیستی» های آن بپردازیم تا به برخی از کژکار کردها و پیامدهای منفی سبک غلط آموزش این درس اشاره کنیم. پیامدهایی که می‌تواند چشم اسفندیار (لطفاً نخوانید پاشنه آشیل!) تدریس این درس باشد...!

#### آموزش «تفکر و سواد رسانه‌ای» یا «تلنبار کردن مفاهیم رسانه‌ای»؟

برخی از معلمان گرامی کلاس «تفکر و سواد رسانه‌ای» پایه دهم را با کلاس‌های علم ارتباطات در دانشگاه اشتباه می‌گیرند و ذهن دانش آموز را از اطلاعات و مفاهیم اضافی انباشته می‌کنند. دانش آموزان این کلاس، نوع و اقسام نظریات را با اسامی نظریه پردازان به زور در ذهن هایشان فرو می‌کنند و احیاناً در مواقع ضروری، مثل گفت‌وگوهای دوستانه یا در جمع خانواده، این الفاظ قلمبه سلمبه را پرتاب می‌کنند و با دلسوزی غرورآمیزی به طرف مقابل اعلام می‌کنند که «چرا هنوز به ضرورت «سواد رسانه‌ای» پی نبرده‌ای؟ انگار نظریات «مارشال مک‌لوهان» را نمی‌دانی؟» و... .

اما در کلاس «تفکر و سواد رسانه‌ای» پایه

در بخش  
«نگرشی» این  
درس قرار است  
با تمرکز در  
محور «تفکر»  
این مسئله برای  
متربیان طرح  
شود که «آیا من  
امیر رسانه‌ها  
هستم یا اسیر  
آن‌ها؟»

مأموریت کلاس «تفکر و سواد رسانه‌ای» پایهٔ دهم، یادگیری «مهارت» و توانایی بررسی و نقد هوشمندانهٔ پیام‌های رسانه‌ای هم هست اما اولاً پیام‌های رسانه‌ای صرفاً فیلم‌های مختلف نیستند و اساساً در این سنخ کلاس‌ها رسانه‌هایی همچون کتاب، موسیقی، روزنامه و ... مغفول می‌مانند. دوم اینکه این تنها مأموریت این درس نیست! شاید تقلیل یا تبدیل درس «تفکر و سواد رسانه‌ای» به کلاس «نقد فیلم»، یکی از افت‌های نگاه صرفاً «مهارتی» به این درس باشد.

شاید برای «فرار» از این آسیب‌های احتمالی می‌بایست به هر سه بخش «دانشی»، «نگرشی» و «مهارتی» این درس توجه ویژه کرد و برای تحقق آن، برنامه‌ای متناسب مدنظر داشت. چون در غیراین‌صورت، یکی از بخش‌ها، و به نظر نویسنده بیشتر قسمت «نگرش»، مغفول می‌ماند. برای مثال، در بخش «نگرشی» این درس قرار است با تمرکز در محور «تفکر» این مسئله برای متریبان طرح شود که «آیا من امیر رسانه‌ها هستم یا اسیر آن‌ها؟» در حالی که اگر برای این بخش، برنامه‌ای وجود نداشته باشد و صرفاً اطلاعات و «دانش» منتقل شود و «مهارت»‌هایی در قالب تمرین، این امر مهم اتفاق نخواهد افتاد.

### آموزش «تفکر و سواد رسانه‌ای» یا تدریس مو به موی کتاب «تفکر و سواد رسانه‌ای»؟

شاید این سؤال رایج میان معلمان که «شما

معلم کدام درس هستید؟» و یا «باید الان کجای کتاب باشیم؟»، میان معلمان بزرگوار این درس نیز متداول باشد. اینکه برخی از معلمان، با هزار رنج و تلاش سعی می‌کنند عقب نمانند و درمواقعی، برای اینکه درس برسد، از برخی از موضوعات به سرعت عبور می‌کنند یا... نشان‌دهندهٔ این موضوع است که شاید از خودمان نپرسیده‌ایم که بناست از چه چیزی عقب نباشیم یا به چه چیزی برسیم و یا بهتر بگوییم به روش تدریس این درس توجه نکرده‌ایم و جایگاه کتاب درسی را در کلاس «تفکر و سواد رسانه‌ای» برای خودمان مشخص نکرده‌ایم.

اولین مسئلهٔ معلم این درس نسبت به کتاب درسی باید این باشد که «آیا کتاب درسی تفکر و سواد رسانه‌ای هدف، وسیله و یا شاید بهانهٔ من، برای تدریس این واحد درسی است؟» قدر مسلم آن است که کتاب درسی هدف این درس نمی‌باشد و ضرورتی ندارد که معلمان بزرگوار، فشاری بر خود و دانش‌آموزان وارد کنند که تمامی دروس کتاب، آموزش داده شود. چون رویکرد و روش تدریس این درس، مسئله‌محور (در مقابل موضوع محور) است؛ یعنی با توجه به نیازهای دانش‌آموزان کلاس و به کمک آن‌ها معلم می‌بایست کتاب را «وسیله» و یا «بهانه‌ای» برای طرح مسائل قرار دهد، و این مسلم است که نیازهای دانش‌آموزان با توجه به شرایط زندگی متفاوت، مختلف می‌باشد.

اولین مسئلهٔ معلم این درس نسبت به کتاب درسی باید این باشد که «آیا کتاب درسی تفکر و سواد رسانه‌ای هدف، وسیله و یا شاید بهانهٔ من، برای تدریس این واحد درسی است؟»

